



رضیه افضل زاده

کرمان شهر سردار

تصویرگر: نجمه آقاخانی

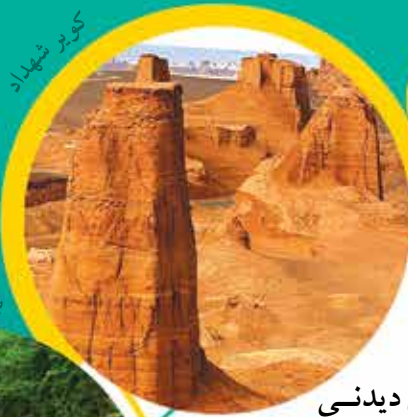


بالاخره بابا به قولش عمل کرد. می دانستم وقتی بابا چیزی بگوید، حتماً اتفاق می افتد. وقتی سردار سلیمانی به شهادت رسید و ما در مراسم تشییع ایشان شرکت کردیم، من و مامان و داداشی خیلی دوست داشتیم به شهر کرمان سفر کنیم. بابا عید امسال را برای سفر به این شهر انتخاب کرد. بابا به ما گفته بود بهترین زمان سفر به کرمان، فصل بهار است؛ چون هوای این استان در این فصل دلپذیر است. اولین مقصد ما در این شهر، آرامگاه شهید سلیمانی بود. آنجا مکانی بسیار شلوغ ولی آرامش بخش بود. شهید سلیمانی در کنار یاران شهیدش میزبان ما بود. باز هم معنای «شهادت»، دفاع مقدس، مدافعان حرم، جنگ و جبهه» در ذهن من پررنگ شد. بعد از اینجا، به مجموعه‌ی گنج علی خان رفتیم. مامان می گفت زیباترین بخش این مجموعه، حمام آن است. معماری زیبا در کنار مهندسی هوشمندانه‌ی ایرانی، دیدنی بود.



مجموعه‌ی گنج علی خان





باغ شاهزاده ماهان



از مقصدهای دیگر ما، کویر شهداد بود. در آنجا جاذبه‌ای دیدنی به نام کلوت وجود داشت. اولش من و داداشی فکر کردیم کلوت‌ها هم ساختمان‌های تاریخی هستند، ولی بعد از توضیحات آقای راهنما فهمیدیم این‌ها ساخته‌ی طبیعت در طول سال‌های طولانی هستند.



از دیگر دیدنی‌های کرمان که ما سری به آن‌ها زدیم، باغ شاهزاده ماهان و حمام وکیل کرمان بود. جاهای دیدنی زیادی در شهر کرمان هستند. چون به قول بابا، شهر کرمان یکی از تاریخی‌ترین شهرهای ایران است. ما وقت زیادی برای رفتن به جاهای دیگر نداشتیم. البته چون مامان دوست داشت ارگ بم را هم از نزدیک ببینیم، سر راه به این بنای دیدنی هم سری زدیم. آدم از دور که به آن نگاه می‌کند، احساس افتخار می‌کند. وقتی هم در آن قدم می‌زند، احساس قدرت و سربلندی می‌کند. از ارگ بم، زمانی برای دفاع استفاده می‌شد، زمانی برای حکم‌فرمایی و زمانی هم برای زندگی. خشت خشت آن با مهندسی متفکرانه‌ی ایرانی ساخته شده است.

